

«صورت‌بندی مفهومی قاعده‌های زرین و سیمین در نهج‌البلاغه»

حسین حیدری^۱، فاطمه حاجی اکبری^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۷/۲۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱/۱۶)

چکیده

یکی از عام‌ترین آموزه‌های کهن اخلاقی برابر دانستن خود با دیگران، قاعده زرین نام دارد که در گستره زمانی و مکانی از دیرباز مورد توجه مکاتب مختلف قرار گرفته است. این قاعده به عنوان ارزش و هنجار مهم اخلاقی با اتخاذ دیدگاه دیگری سبب‌ساز درک متقابل افراد از یکدیگر شده و خود سنگ بنای موازین دیگر اخلاقی به شمار می‌رود. لازمه اجرای این قاعده شناخت دقیق نیازها، خیر و شر دیگران با وجدان خویشتن است. قاعده زرین یعنی با دیگران آن‌گونه رفتار کن که دوست داری با تو رفتار شود و قاعده سیمین، آنچه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند، بطور صریح و یا با تقریرهای مختلف در نهج‌البلاغه مورد تاکید قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و از طریق گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای سعی در تبیین تقریرهای مختلف قاعده زرین و سیمین در نهج‌البلاغه را دارد. بر اساس نتایج این بررسی انصاف، عدالت، یکسان‌انگاری منافع خویشتن با دیگران، عیب‌پوشی، هم نشینی با اقشار مختلف جامعه و ادب آموزی خویشتن از جمله صورت‌های مفهومی قاعده زرین در کلام امام علی(ع) است.

واژگان کلیدی: قاعده زرین، قاعده سیمین، نهج‌البلاغه، همدلی انگیزی، اتخاذ دیدگاه دیگری.

1. دانشیار گروه ادیان و فلسفه دانشگاه کاشان؛
Email: heydari@kashanu.ac.ir

2. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کوثر بجنورد (نویسنده مسئول)؛

Email: f.hajiakbari@kub.ac.ir

۱. مقدمه

قاعده زرین از مباحث مهم فلسفه اخلاق است که در ادیان و مکاتب گوناگون اخلاقی آمده است. به دلیل بنیادین بودن این قاعده و ارزش آن، آن را «زرین» خوانده‌اند. (برای اطلاع از این قاعده کلی در هشت نظام دینی نک: هیوم، ۴۲۴) این آموزه کهن اخلاقی به جهت ارزشمند بودن در اکثر ادیان و مکاتب جهان و هم به دلیل اینکه فطری بودنش بسیار مهم است. «قاعده زرین»^۱ به عنوان یک روش اخلاقی دو شکل مثبت و منفی دارد یعنی بیانگر دو مطلب است که محتوای آنها با هم تفاوت دارد و برای تمایز آنها از یکدیگر یکی زرین و دیگری سیمین نامگذاری شده است؛ "شخص باید به گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست دارد دیگران در شرایط مشابه با او آن‌گونه رفتار کنند" (شکل مثبت قاعده). "شخص نباید به گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست ندارد آن‌گونه با او رفتار شود" (شکلی منفی و منعی قاعده) که به «قاعده نقره‌ای» یا «قاعده سیمین»^۲ معروف است. قاعده زرین از ما می‌خواهد در موقعیت‌های تعاملی خود را در جایگاه فرد مقابلمان قرار داده و از خود بپرسیم که اگر من در موقعیت فرد مقابل بودم انتظار داشتم چه رفتاری شود؟ آنگاه همان رفتار را با فرد مقابل انجام دهیم. به عبارت دیگر قاعده زرین از ما می‌خواهد اتخاذ دیدگاه دیگری^۳ یا اتخاذ نقش^۴ کنیم. اتخاذ نقش مد نظر ما، آن چیزی است که گنسلر (gensler) از آن با نام «تخیل» یاد می‌کند. (بوسلیکی، ۱۶۷) قاعده زرین و سیمین صرفاً روشی برای فهم و تصمیم‌گیری اخلاقی است نه اصل اخلاقی. (اسلامی، قاعده زرین در اخلاق و حدیث، ۲۹) در حقیقت این دو قاعده روشی برای تشخیص وظیفه عملی به فرد ارائه می‌کند. هر دو قاعده راهی برای تامین بی‌طرفی هستند. (بوسلیکی، ۱۶۹) قاعده زرین قاعده‌ی عام است و منحصر به هم‌کیشان نیست. براساس این قاعده، انسان باید با دیگران فقط طوری رفتار کند که رضایت می‌دهد در همان موقعیت با او رفتار شود». لازمه به کار بستن این قاعده تصور «خود» به جای «دیگری» است. این قاعده، مانع از انجام کاری می‌شود که انسان در برابر دیگران انجام می‌دهد؛ اما همان را برای خود نمی‌پسندد. قاعده زرین با این دستور که «با دیگران چنان رفتار کن که با تو رفتار می‌کنند»، متفاوت است و این دو نباید خلط

-
1. Golden Rule
 2. Silver Rule
 3. perspective taking
 4. roletaking

گردند؛ زیرا نتیجه این دستور می‌تواند مقابله به مثل و انتقام باشد؛ حال آنکه قاعده زرین به دنبال چنین نتیجه‌ای نیست. (گنسلر، ۲۱۷-۱۹۳)

این قاعده که ریشه در فطرت حق‌جوی بشر دارد، به دلیل آن که اساس و بنیاد اخلاق به‌شمار می‌رود و می‌توان نظام‌های اخلاقی را بر آن استوار نمود، امروزه به نام قاعده زرین شناخته شده است. از این قاعده، تفسیرهای گوناگونی ارائه شده است که همه یک حقیقت را بیان می‌دارد. تقریر کنفوسیوسی این قاعده چنین است: روزی یکی از شاگردان کنفوسیوس، معلم و حکیم بزرگ چینی، از استاد پرسید: آیا در جهان کلمه‌ای عام و دستوری کلی وجود دارد که بتوان آن را قاعده حیات در سراسر عمر قرار داد؟ استاد پاسخ داد: «آری، و آن این است که آن چه را که بر خود روا نمیداری بر دیگران نیز روا مدار.» این قاعده در سنت ادیان ابراهیمی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و خاستگاه اخلاق و غایت آن به‌شمار می‌رود. حضرت عیسی مسیح (ع) این قاعده را عصاره کتابهای آسمانی بر می‌شمارد و چنین می‌گوید: «پس آن چه می‌خواهید دیگران برای شما بکنند. شما همان را برای آنها بکنید. این است خلاصه تورات و کتب انبیا.» ایشان همچنین می‌گوید: «با مردم آن‌گونه رفتار کن که انتظار داری با تو رفتار کنند.» (اسلامی، کپی‌رایت، ۵۸)

در بیانیه اخلاق جهانی^۱ و اعلامیه جهانی حقوق بشر مسئولیت‌های انسانی که دو اعلامیه اخلاقی جهان می‌باشند به قاعده زرین اشاره کرده‌اند. هانس کونگ نویسنده و متخصص الهیات در سال ۱۹۸۹ اعلامیه اخلاق جهانی را برای مجلس ادیان نوشت و این اعلامیه در سال ۱۹۹۳ به تصویب مجلس ادیان جهان رسید. (لطفی یزدی، ۲۰)

دیگرگرایی اخلاقی به جای آن که مردم را درگیر بحث‌های نظری در حوزه اخلاق کند و آنان را از هدف اخلاق، یعنی زدودن تعارضهای درونی و برونی فرد و کمک به کمال او، باز دارد به روشنی تکلیف آنان را در موقعیت‌های گوناگون و دشوار اخلاقی معین می‌کند و راه برون‌شدی برای تعارض‌های اخلاقی به دست می‌دهد. به همین

۱. این بیانیه بین‌ادیانی حاصل دو سال رایزنی بیش از دویست دانشمند و متأله - به‌عنوان نمایندگان جوامع ادیانی جهان - است. بیانیه دوم تا چهارم سپتامبر ۱۹۹۳ در گردهمایی رهبران دینی و روحانی - به‌عنوان بخشی از اجلاس ۱۹۹۳ پارلمان ادیان جهان در شیکاگو - مورد بحث قرار گرفت. این بیانیه را رهبران مشهور ادیان بزرگ جهان شخصاً امضا و آن را نشانگر نخستین تلاش و آغازی برای جهانی تلقی کردند که سخت به وفای اخلاقی محتاج است. (قراملکی، ۱۳۸۳، ۵۸)

سبب، از گذشته‌های دور مورد قبول نظام‌های دینی و اخلاقی گوناگون بوده و رد پای آن را در همه جا می‌توان یافت. گاه از این قاعده به مثابه گوهر زندگی اخلاقی و عصاره تعلیم همه انبیا نام برده می‌شود. (اسلامی، ۷) از نگاه برخی دانشمندان هیچ اصلی به این گستردگی مورد قبول و مورد بحث قرار نگرفته است (singer, v4, p 145) و از قاعده، الگو یا سنج و میزان بودن آن را برای اخلاص نشان می‌دهد. (wattles, 78)

وقتی کسی خود را در موقعیت طرف مقابل تصور می‌کند و تصمیم می‌گیرد به او کمک کند، گویا به خودش کمک کرده است. از جمله یادکرد از قاعده زرین در ادبیات فارسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سعدی: من شنیدم ز پیر دانشمند / تو هم از من به یاد دار این پند / هر چه بر نفس خویش نپسندی / نیز بر نفس دیگران میسند (سعدی، دفتر ششم، بخش ۴۸)
- فردوسی: هر آن چیز کانت نیاید پسند / تن دوست و دشمن بدان در میند (فردوسی، ۱۴۸۳/۲)

- مولوی: چون پسندی بر برادر ای امین / آنچه نپسندی به خود ای شیخ دین (مولوی، دفتر ششم، بیت ۱۵۶۹)

از نظر علامه طباطبایی در قرآن آیات «وای بر کم‌فروشان، آنان که چون به کیل (یا وزن) چیزی از مردم بستانند تمام بستانند. و چون برای آنان پیمان‌ها یا وزن کنند، به ایشان کم دهند.» (مطففین/۱-۳) این معنا را می‌رساند که عدم اجرای قاعده زرین سبب تباهی جامعه می‌شود؛ «معنای آیه این است که وقتی از مردم، کالایی می‌گیرند حق خود را به تمام و کمال دریافت می‌کنند، ولی وقتی می‌خواهند کالایی به مردم بدهند به کیل یا وزن ناقص می‌دهند، و مردم را به خسران و ضرر می‌اندازند. پس مضمون مجموع دو آیه یک مذمت است، و آن این است که مطففین حق را برای خود رعایت می‌کنند، ولی برای دیگران رعایت نمی‌کنند. و به عبارتی دیگر حق را برای دیگران آنطور که برای خود رعایت می‌کنند رعایت نمی‌نمایند، و این خود باعث تباهی اجتماع انسانی است که اساس آن بر تعادل حقوق متقابل است، و اگر این تعادل از بین برود و فاسد شود همه چیز فاسد می‌شود.» (طباطبائی، ۳۲۰ / ۲۰)

در روایات اسلامی مشهورترین عبارت اشاره به قاعده زرین را می‌توان این گونه یافت: "وَأَوْ يَحِبُّ لَهُ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ يَكْرَهُ لَهُ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ" (برقی، ۹ / ۱؛ کلینی، ۱۴۶ / ۲، طوسی، ۴۷۸)

۱-۱. بیان مسئله

قاعده زرین به اشکال مختلفی در سخن معصومان، بیان شده و مورد استفاده قرار گرفته است که اشاره به همه آنها ممکن نیست، اما با مرور آنها می‌توان دسته‌بندی زیر را پیشنهاد کرد؛ ۱. اشاره به صورتی مستقیم و به عنوان راهنمای رفتار اخلاقی ۲. به عنوان امری مسلم و پیامدهای بی توجهی به آن. ۳. به مثابه معیار ادب. ۴. به مثابه نشانه سازگاری منطقی و عقلانی. ۵. کاربردی این قاعده در تعریف فضایل اخلاقی ۶. به مثابه راهی برای محبوبیت. ۷. به مثابه یکی از سه فضیلت اصلی. ۸. به مثابه تکلیف انسان در قبال دیگران. ۹. استناد به حدیث به مثابه ملاکی برای رفتار با اهل سنت. ۱۰. به مثابه معیار بازشناسی حدیث صحیح از ساختگی (اسلامی، ۱۵)

تامل عمیق در سخنان حضرت علی نمایانگر اهتمام ویژه ایشان به رعایت حق و حقوق اقلیت‌ها است بدان معنا که حفظ کرامت انسان‌ها از هر دین و آیین سرلوحه کاری ایشان به‌شمار می‌رفته است.

امام علی در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه به صراحت به قاعده زرین و چند کاربردی مهم قاعده زرین اشاره می‌کند: «يَا بَنِيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ؛ فَأَحِبُّ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا» ای فرزندی، خود را در آنچه میان تو و دیگران است، ترازویی پندار. پس برای دیگران دوست بدار آنچه برای خود دوست می‌داری و برای دیگران مخواه آنچه برای خود نمی‌خواهی.

در حدیث مرفوعی، کامل بودن ایمان بندگان در گرو پای‌بندی به قاعده زرین دانسته شده است: «کامل بودن ایمان بندگان در گرو آن است که آنچه بر خود می‌پسندند بر برادر خود بیسندند و از آنچه بر خود کراهت دارند برای برادر خود نیر مکروه بدانند.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۶ / ۸۴)

این پژوهش بر آن است با روش توصیفی و تحلیلی بازتاب قاعده زرین را در سخنان امام علی جست و جو و گونه‌های آن را استخراج کند.

۱-۲. پیشینه

گرچه تعلیم و ترویج قاعده زرین سابقه هزاران ساله دارد، اما از نوشتن اولین مکتوب مستقل درباره آن و گشوده شدن باب تحقیق کمتر از چهار قرن می‌گذرد. در این مدت کتاب‌ها و مقالات پرشماری به صورت کلی یا به شکل موردی درباره این قاعده و شعب

و فروع آن به زبان انگلیسی و سایر زبان های اروپایی نوشته شده و نویسندگانی از حوزه های مختلف کاربرست آن را در حیطه های گوناگون زندگی انسان پژوهیده اند. (صالحی، ۷۱-۹۶)

در زبان فارسی نخستین مکتوب درباره قاعده زرین مقاله "قاعده زرین در حدیث و اخلاق" (۱۳۸۶) از سیدحسن اسلامی منتشر شده است. از جمله آثار موجود در خصوص قاعده زرین به طور عام و در گزاره های دینی می توان از آثار زیر نام برد؛ ادیان بزرگ، قاعده زرین و دیگری، قاعده زرین در آموزه های دینی و پیامدهای آن برای اخلاق پزشکی، تاملاتی در کاربرد قاعده زرین اخلاق در قرآن کریم، تحلیل مفهومی گزاره های قاعده زرین، مفهوم انصاف در اخلاق اسلامی و نسبت آن با قاعده زرین، نقش قاعده زرین اخلاق در تعامل با غیر هم کیشان بر پایه روایات، نقش قاعده زرین در تعارض دین و اخلاق، فرا اخلاق قاعده زرین، بررسی مبانی فرااخلاقی قاعده زرین، قاعده زرین کردار شناسی عمل متقابل در ادیان جهان. قاعده زرین از نگاه علی نوشته اینترنتی است که توسط مسلم محمدی به صورت بسیار مختصر نگاشته شده است و فقط چند مورد از نمونه های قاعده زرین را در نهج البلاغه اشاره کرده است. بر این اساس پژوهشی که بازتاب قاعده زرین را به طور گسترده خاص در سخنان امام علی بکاود یافت نشد.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

بی تردید نشر و بازتاب یک قاعده در فرهنگ و منابع دینی از یک سو سبب ساز توجه گسترده دینداران به آن قاعده است و از سوی دیگر می تواند محور گفتمان همدلی و وحدت ادیان در جهان گردد. اینکه یک ارزش اخلاقی مورد حمایت ادیان باشد نقطه قوتی برای آن است. قاعده زرین در ادیان بزرگ جهان مورد تصریح قرار گرفته است. کاربرست ها و تقریرهای این آموزه طلایی در روایات اسلامی فراوان است. قاعده زرین به صورت مستقیم و غیرمستقیم بارها در روایات اسلامی بیان شده است. گزاره هایی در باب قاعده زرین در برخی کتب روایی نظیر اصول کافی و بحار الانوار ذیل باب انصاف و عدل گنجانده شده است. (کلینی، ۲/۱۴۶؛ مجلسی، ۲۴/۷۲)

در حوزه معاشرت با دیگران امام علی در جای جای سخنان خویش به ویژه در نهج البلاغه از سخن تا عمل تاکید خاصی برای اجرای هم دلی، مواسات و رعایت حقوق تمام اقلیت ها و انسان ها و حتی مراعات حقوق حیوانات دارد.

۲. بحث

در این بخش سخنان امام علی در دو موضوع قاعده زرین و سیمین دسته‌بندی و ارائه می‌شود.

۲-۱. اشاره صریح به قاعده زرین

امام علی (علیه السلام) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه نخست به یکی از مهم‌ترین اصول اخلاق انسانی اشاره کرده و می‌فرماید:

«ای فرزند، خود را در آنچه میان تو و دیگران است، ترازویی پندار. پس برای دیگران دوست بدار آنچه برای خود دوست می‌داری و برای دیگران مخواه آنچه برای خود نمی‌خواهی و به کس ستم مکن همان گونه که نخواهی که بر تو ستم کنند. به دیگران نیکی کن، همان گونه که خواهی که به تو نیکی کنند. آنچه از دیگران زشت می‌داری از خود نیز زشت بدار. آنچه از مردم به تو می‌رسد و خشنودت می‌سازد، سزاوار است که از تو نیز به مردم همان رسد.» (نهج‌البلاغه، ۶۰۷، نامه/ ۳۱)

گنسلر این عبارات را در تایید قاعده زرین از منظر اسلام آورده است (gensler, 44). امام علی در این فقرات قاعده زرین به مثابه میزانی بین خود فرد و دیگری تشبیه کرده است. ترازوهای سنتی معمولاً دارای دو کفه بود و وزن کردن صحیح با آن در صورتی حاصل می‌شد که دو کفه دقیقاً در برابر هم قرار گیرد. این سخن اشاره به آن است که باید هرچه برای خود می‌خواهی برای دیگران هم بخواهی و هر چیزی را که برای خود روا نمی‌داری برای دیگران هم روا مداری تا دو کفه ترازو در برابر هم قرار گیرد. (مکارم شیرازی، ۹/ ۵۶۱-۵۶۳)

امام علی در این چند جمله قاعده زرین را به صورت ایجابی و سلبی به صراحت بکار برده و می‌فرماید:

برای دیگران چیزی را دوست دار که برای خود دوست می‌داری و برای آنها نپسند آنچه را برای خود نمی‌پسندی/ به دیگران ستم نکن همان گونه که دوست نداری به تو ستم شود/ به دیگران نیکی کن همان گونه که دوست داری به تو نیکی شود/ آنچه را برای دیگران قبیح می‌شمی برای خودت نیز زشت شمار/ برای مردم راضی شو به آنچه برای خود از سوی آنان راضی می‌شوی

تمام این‌ها یعنی قدرت داشته باشید خود را در جای دیگران قرار دهید. این نکته بسیار مهم است و قدرت بر این کار در ما بسیار کم است. معمولاً اینکه انسان بتواند

خود را در پوست دیگری قرار دهد، برای او دشوار است و اتفاقاً این برای آن قاعدهٔ زرین ضروری است. (ملکیان، ۱۵۱)

آنچه که امام (علیه‌السلام) در تفسیر این اصل اخلاقی بیان فرموده در کلام هیچ کس به این گستردگی دیده نشده است، هرچند ریشه‌های این اصل - به گفته مرحوم مغنیه در شرح نهج‌البلاغه‌اش در تفسیر همین بخش از کلام مولا - به طور اجمالی در گذشته وجود داشته است. او می‌گوید: «ما نمی‌دانیم چه کسی نخستین بار این سخن طلایی را بیان کرده ولی هرچه باشد همه انسان‌های فهمیده در آن اتفاق نظر دارند، زیرا معنای برادری و انسانیت و تعامل انسان‌ها با یکدیگر و قدرت و پیروزی، بدون محبت حاصل نمی‌شود. زندگی بدون محبت سامان نمی‌یابد و مفهومی نخواهد داشت و نقطه مقابل محبت که نفرت و کراهت است جز جنگ و جدایی و سستی نتیجه‌ای نخواهد داشت. در حدیثی وارد شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) سوار بر مرکب بود و به سوی یکی از غزوات می‌رفت، مرد عربی آمد و رکاب مرکب پیامبر (صلی الله علیه وآله) را گرفت و عرض کرد: «يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي عَمَلًا أَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ؛ عملی به من بیاموز که با آن وارد بهشت شوم». پیامبر فرمود: «مَا أَحَبَّبْتَ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَأَتَاهُ إِلَيْهِمْ وَمَا كَرِهْتَ أَنْ يَأْتِيَهُ النَّاسُ إِلَيْكَ فَلَا تَأْتِهِ إِلَيْهِمْ. خَلَّ سَبِيلَ الرَّاحِلَةِ؛ آنچه را دوست داری مردم درباره تو انجام دهند درباره آنان انجام ده و آنچه را دوست نداری نسبت به تو انجام دهند نسبت به آنان انجام نده (مطلب همین است که گفتیم)؛ مرکب را رها کن. (مکارم شیرازی، ۵۶۱/۹)

۲-۲. جوانمردی در بخشش

از جمله غرائز مسلم انسان جلب منفعت و دفع ضرر است؛ انسان همیشه می‌خواهد کاری انجام دهد که سودی برای او داشته باشد یا ضرری را از او دور سازد و در همین راستا حاضر می‌شود مواهبی را که در اختیار دارد برای رسیدن به امور مهم تری هزینه کند و تمام تجارت‌های مادی با همین انگیزه صورت می‌گیرد. امام علی می‌فرماید:

"و کسی که به عوض یقین داشته باشد در بخشش جوانمردی کند". (نهج‌البلاغه، ۷۵۸،

حکمت ۱۳۸)

در تجارت معنوی که قرآن نیز از همین لفظ برای آن استفاده کرده مانند آیه شریفه (هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ) (صف/۱۰) نیز بر همین اساس کار می‌کند، بنابراین کسانی که به وعده‌های الهی ایمان و یقین داشته باشند و بدانند در

برابر هر انفاق در راه خدا، بهتر و بیشتر از آن را در این دنیا یا در آخرت و یا در هر دو دریافت می‌کنند هرگز در انفاق کردن تردیدی به خود راه نمی‌دهند؛ سخاوتمندانه می‌بخشند و از اموال و ثروت‌های خود در این راه با روی گشاده استقبال می‌کنند.

۲-۳. عدل و انصاف

افلاطون در کتاب جمهوری می‌گوید آنچه انسان‌ها را در یک جامعه پیوند می‌دهد عدالت است. از نظر افلاطون بدون عدالت جامعه ای وجود نخواهد داشت در حقیقت عدالت مفهومی از یک رابطه عادلانه میان فرد و جامعه است. در تعریف سنتی اسلامی از مفهوم عدالت به اعطای حق کسی به او تعبیر می‌شود. معادل این تعبیر در جوامع دیگر هم هست برایان بری معتقد است استحقاق و مساوات در استیفای حقوق ارتباط تنگاتنگی با عدالت دارد. در حقیقت بخش مهمی از عدالت اجتماعی در رابطه با ارتباط متقابل فرد و جامعه است (پاکتچی، سخنرانی در بنیاد نهج‌البلاغه).

در معنی این سخن خدای عزوجل از او پرسیدند: "ان الله يأمر بالعدل والاحسان" «خدا به دادگری و نیکوکاری فرمان می‌دهد» فرمود: عدل، انصاف دادن است و انصاف، نیکی کردن است و بخشش داشتن. (نهج‌البلاغه، ۷۷۹، حکمت ۲۳۱)

در آموزه‌های اسلامی میان گزاره‌های این جهانی و آن جهانی همبستگی وجود دارد، و رفتارهای بین فردی از ایمان افراد سرچشمه می‌گیرد. امام علی انصاف با خلق را آن می‌داند که انسان دیگران را مثل خود بداند و تمامی حقوق ایشان را ادا کند.

(أَجُورُ السَّيْرَةِ أَنْ تَنْتَصِفَ مِنَ النَّاسِ وَ لَا تُعَامِلَهُمْ بِهِ) ظالمانه‌ترین روش آن است که از

مردم انصاف بخواهی، اما خودت با آنان به انصاف رفتار نکنی. (آمدی، ۱۴۱/۱)

همچنین ایشان در نامه به مالک اشتر انصاف دادن در آنچه آدمی دوست دارد و

ندارد را معیاری مهم شمرده و می‌فرماید:

.. فَأَمْلِكُ هَوَاكَ وَ شُحَّ بِنَفْسِكَ عَمَّا لَا يَجِلُّ لَكَ، فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنصَافُ مِنْهَا فِيمَا

أَحَبُّ أَوْ كَرِهَتْ. زمام هواهای نفس خویش فروگیر و بر نفس خود، در آنچه برای او روا

نیست، بخل بورز که بخل ورزیدن بر نفس، انصاف دادن است در آنچه دوست دارد یا ناخوش

می‌شمارد. (نهج‌البلاغه، ۶۶۲، نامه ۵۳)

وجه و اشتراک اصلی عدالت و انصاف حق محوری آنهاست. هر دو فضیلت اخلاقی در

پی برپا داشتن حق اند و هر جا حقی باشد عدالت و انصافی هست. در روایات اسلامی

عادل‌ترین شیوه آن است که همانگونه که دوست داری دیگران با تو با انصاف رفتار

کنند تو نیز با آنها با انصاف رفتار کن بنابراین انصاف یکی از انواع عدالت برای گرفتن حق و دوری از کاستی یا فزونی است.

عدالت در مفهوم اصطلاح علم اخلاق توازن و هماهنگی است. در معارف اهل بیت عادل ترین مردم کسی است که به قاعده زرین پای بند باشد. حضرت محمد(ص) در این باره می‌فرماید:

(أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ، وَكَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ) عادل ترین مردم، کسی است که بر مردم همان پسندد که بر خود می‌پسندد و بر آنان نپسندد آنچه را بر خود نمی‌پسندد. (ابن بابویه قمی، ۴۱/۷۲)

امام علی نیز اجرای قاعده زرین را عادل ترین روش دانسته و فرموده‌اند:

(أَعْدَلُ السَّيْرَةِ أَنْ تُعَامِلَ النَّاسَ بِمَا تُحِبُّ أَنْ يُعَامِلُوكَ) عادلانه ترین روش این است که با مردم آن گونه رفتار کنی که دوست داری با تو چنان باشند. (آمدی، ۳۹۴)

مشابه همین تعبیر از زبان پیامبر ص می‌خوانیم:

(أَحِبُّ أَنْ أَكُونَ أَعْدَلَ النَّاسِ: أَحِبِّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ تَكُنْ أَعْدَلَ النَّاسِ) آنچه برای خودت دوست داری، برای مردم نیز دوست مدار، تا عادلترین مردم باشی. (متقی، ح ۴۴۱۵۴)

۲-۴. انصاف

امام علی در نامه‌ای به کارگزاران خراج و بیت‌المال تاکید به ادای حقوق تمامی مردم با انصاف کرده و می‌فرماید:

پس خود، داد مردم را بدهید و در معاشرت با آنان انصاف را فرو نگذارید و برای برآوردن نیازهایشان، حوصله به خرج دهید. (نهج البلاغه، ۶۴۵)

«درباره خواص خویشاوندان و از افراد رعیت، هرکس را که دوستش می‌داری، انصاف را رعایت نمای.» (نهج البلاغه، ۶۴۸)

«انصاف» از ریشه «نصف» گرفته شده که به نیمه هر چیزی اطلاق می‌شود و از آن جایی که عدالت سبب می‌شود انسان حقوق اجتماعی را در میان خود و دیگران عادلانه تقسیم کند، از این جهت به آن انصاف گفته‌اند. در بیان دیگر انصاف آن است که انسان هرچه برای خود و دوستان و نزدیکان خود می‌خواهد برای دیگران هم بخواهد و آنچه درباره خود و افراد مورد علاقه‌اش روا نمی‌دارد درباره دیگران نیز روا ندارد.

در حدیثی از امام صادق(علیه السلام) می‌خوانیم که فرمود: «سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةٌ: إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى لَا تَرُضِيَ بِشَيْءٍ إِلَّا رَضِيَتْ لَهُمْ مِثْلَهُ» (کلینی، ۲۱۴/۳)

برترین اعمال سه چیز است و امام (علیه السلام) اولین آن را رعایت انصاف درباره مردم

شمرد و در تفسیر آن می‌فرماید: باید به گونه‌ای باشد که هر چه را برای خود می‌خواهی مانند آن را برای دیگران هم بخواهی.

۲-۵. عمل و عکس‌العمل

حضرت علی در خصوص نیکی کردن به بازماندگان و بازگشت این نیکی به بازماندگان افراد می‌فرماید:

«به بازماندگان دیگران نیکی کنید تا بازماندگانتان را پاس دارند.» (نهج‌البلاغه، ۷۹۵)

۲-۶. حقوق حیوانات

قاعده زرین در کلام امام علی از آدمیان عبور کرده و رافت آن همه کائنات از جمله حیوانات را در بر می‌گیرد، در کتب روایی ما، احادیث فراوانی در این باره وارد شده است، از جمله در ابواب مربوط به حج به تناسب استفاده از حیوانات به عنوان مرکب در مسیر حج، ابوابی تحت عنوان «أَبْوَابُ أَحْكَامِ الدَّوَابِّ فِي السَّفَرِ وَغَيْرِهِ» دیده می‌شود. مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه در جلد هشتم تحت همین عنوان روایات فراوانی در بیش از پنجاه باب ذکر کرده است. امام علی در نهج‌البلاغه به صراحت به این امر اشاره می‌کند، قابل توجه اینکه این دستورات را امام (علیه السلام) هنگامی بیان فرمود که نه از حقوق حیوانات سخنی در شبه جزیره عربستان مطرح بود و نه از حقوق بشر، ولی اسلام حرمت حیوانات و حقوق آنها را نیز فراموش نکرده است:

«و چون مال مسلمانان را می‌فرستی، آن را به کسی بسپار که به دینداری او مطمئن باشی تا آن را به ولی امر مسلمانان برساند و او میان مسلمانان قسمت نماید. و به نگهداری آنها مگمار، مگر مردی نیکخواه و مهربان و امین را که نیکو نگهبانی کند. کسی که با ستوران درشتی نکند و آنها را تند نراند و خسته‌شان نگرداند. پس، هر چه گرد آورده‌ای، زود به نزد ما فرست تا ما نیز در جایی که خداوند مقرر فرموده، صرف نماییم. چون امین تو ستوران زکات را گرفت، از او بخواه که در راه میان مادر و کره شیرخواره اش جدایی نیفکند و آن قدر آن را ندوشد که کره‌اش را زیان رسد و با سوار شدن بر آنها خسته نکند و میان آن شتر که بر آن سوار می‌شود یا آن را می‌دوشد و دیگر شترها عدالت ورزد. و چنان کند که شتر خسته بیاساید و با شتری که پایش مجروح شده و رفتن نتواند بمدارا رفتار کند و آنها را بر سر آبگیرها برد و آب دهد و از راههایی براند که به علفزارها نزدیک باشد، نه از راههای خشک و عاری از گیاه، و ساعتها مهلت آسایش دهد تا آب خورند یا علف بچرند. تا به اذن خدا آنها را به ما برساند، فربه و پرتوان نه خسته و لاغر، و ما آنها را، چنانکه در کتاب خدا و سنت پیامبر

(صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌آمه، تقسیم کنیم. اگر چنین کنی، اجر تو بزرگ باشد و تو را به رستگاری، ان شاء الله، نزدیکتر سازد». (نهج‌البلاغه، ۵۷۲)

۲-۷. همه وجود خویش

بی‌تردید قاعدهٔ زرین می‌بایست از اصلی هستی شناسانه سرچشمه گیرد و چه بسا آن آفرینش بنی‌آدم از یک پیکر باشد. حضرت علی(ع) در نامه به فرزندشان امام حسن، وی را جزئی از وجود خود می‌داند به گونه‌ای که آسیب رسیدن به او همانند آسیب رساندن به ایشان است:

«تو را جزئی از خود، بلکه همه وجود خود یافتیم، به گونه‌ای که اگر به تو آسیبی رسد، چنان است که به من رسیده و اگر مرگ به سراغ تو آید، گویی به سراغ من آمده است. کار تو را چون کار خود دانستم و این وصیت به تو نوشتم تا تو را پشتیبانی بود، خواه من زنده بمانم و در کنار تو باشم، یا بمیرم» (نهج‌البلاغه، ۵۹۹-۶۰۰)

از آنجا که امام (علیه‌السلام) به مقتضای حدیث معروف «أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» پدر تمام امت است، مخاطب در این وصیت نامه در واقع همه امتند.

۲-۸. قاعدهٔ سیمین

شخص نباید به گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست ندارد آن‌گونه با او رفتار شود به «قاعده نقره‌ای» یا «قاعدهٔ سیمین» معروف است. در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از بازتاب این قاعده در نهج‌البلاغه اشاره می‌شود:

۲-۸-۱. اشاره مستقیم به قاعدهٔ سیمین

امام علی در مواردی در نهج‌البلاغه صریحاً به قاعدهٔ سیمین اشاره کرده است.

۱. از جمله می‌فرماید:

"برای ادب کردن خود، همین بس که از هر چه از دیگری ناپسند می‌انگاری، دوری

نمایی". (نهج‌البلاغه، ۸۲۱)

هیچ انسانی به کمال نمی‌رسد مگر این‌که در اصلاح عیوب خویش بکوشد ولی شناخت عیوب غالباً مشکل است. ای بسا انسان بر اثر حب ذات نه تنها عیب خود را نمی‌بیند بلکه ممکن است آن را نشانه حسن بشمارد؛ ولی در برابر دیگران چنین نیست؛ عیوب آن‌ها را با تمام ریزه‌کاری‌ها می‌بیند و گاه زبان به انتقاد از این و آن می‌گشاید. بنابراین بهترین و عاقلانه‌ترین راه برای شناخت عیوب خویشتن این است که انسان آنچه

را برای دیگران عیب می‌شمرد از خود دور سازد و دیگران را مقیاس و معیار برای سنجش حال خویشتن قرار دهد. آیا راهی بهتر از این برای اصلاح نقاط ضعف یافت می‌شود؟ ولی نمی‌توان انکار کرد که افرادی هستند که صفات یا اعمالی را به دیگران خرده می‌گیرند اما آن را برای خود می‌پسندند و به فرموده امیرمؤمنان (علیه‌السلام) این‌ها احمق واقعی هستند: «وَمَنْ نَظَرَ فِي عُيُوبِ النَّاسِ فَأَنْكَرَهَا ثُمَّ رَضِيَهَا (نهج‌البلاغه، ۸۱۷)

۲. همچنین در جای دیگر در خصوص ادب کردن خویشتن فرمود:

"برای ادب کردن خود همین بس، که از هر چه از دیگران ناپسند می‌داری، اجتناب کنی." (نهج‌البلاغه، ۸۳۷)

امام (علیه‌السلام) راه روشنی برای تهذیب نفس و تعلیم و تربیت خویشتن به همه انسان‌ها آموخته و آن این که در اعمال و رفتار و صفات دیگران دقت کنند و ببینند چه چیزهایی را برای آن‌ها عیب و چه اعمالی را ناروا می‌شمردند، همان‌ها را از خود دور سازند. چه تعبیر زیبا و چه راه روشن و چه روش مؤثری امام (علیه‌السلام) پیشنهاد می‌فرماید. امام (علیه‌السلام) این سخن را کرارا بیان فرموده است. (نهج‌البلاغه، ۸۲۱؛ ۸۱۸)

۱. امام علی در نامه به فرمانده لشکر «حُلوان» وی را از پیروی هوای نفس که در اشکال

مختلف ظاهر می‌شود برحذر می‌دارد و آن را مانعی بر سر راه اقامه عدالت می‌شمرد.

«اما بعد. هر گاه والی را نسبت به افراد رعیب میل و هوا گونه‌گون باشد، بسا از اجرای

عدالت باز ماند. پس باید کار مردم، در حقی که دارند، در نزد تو یکسان باشد که از ستم

نتوان به عدالت رسید و از هر چه همانند آن را ناروا می‌شماری دوری گزین و خود را به

کاری که خدا بر تو واجب ساخته، وادار نمای، در حالی که، امید پاداش او داری و از عقابش

بیمناک هستی.» (نهج‌البلاغه، ۶۹۰)

۲-۸-۲. درک متقابل حاکم و رعیت

از جمله نامه‌های بسیار مهم در نهج‌البلاغه است. نامه ای از آن حضرت (ع) به عثمان

بن حنیف که عامل او در بصره بود، وقتی که شنید به مهمانی قومی از مردم بصره

دعوت شده و به آنجا رفته است:

"اگر بخواهم به غسل مصفا و مغز گندم و جامه‌های ایریشمین، دست می‌یابم. ولی، هیبت که

هوای نفس بر من غلبه یابد و آزمندی من مرا به گزینش طعام‌ها بکشد و حال آنکه، در حجاز یا

در یمامه بینوایی باشد که به یافتن قرص نانی امید ندارد و هرگز مزه سیری را نچشیده باشد. یا

شب با شکم انباشته از غذا سر بر بالین نهم و در اطراف من شکمهایی گرسنه و جگرهایی تشنه

باشد. آیا چنان باشم که شاعر گوید: "تو را این درد بس که شب با شکم سیر بخوابی و در اطراف

تو گرسنگانی باشند در آرزوی پوست بزغاله‌ای". (نهج‌البلاغه، ۶۳۷)

در این نامه امام علی یادآور می‌شود هوای نفس سبب‌ساز از مندی و عدم فهم دست احوال دیگران خواهد شد و ایشان به خاطر غلبه بر هوای نفس با شکم گرسنه اطرافیان هم‌دردی می‌کند.

۲-۸-۳. عیب پوشی

امام علی در نهج‌البلاغه عیب‌پوشی از انسانها را به مالک اشتر توصیه می‌کند همانگونه که وی دوست دارد خداوند عیب‌های او را بپوشاند.

«تا توانی عیبهای دیگران را بپوشان، تا خداوند عیبهای تو را که خواهی از رعیت مستور

بماند، بپوشاند». (نهج‌البلاغه، ۶۶۵)

در روایتی از پیغمبر اکرم آمده است: «كَانَ بِالْمَدِينَةِ أَقْوَامٌ لَهُمْ عِيُوبٌ فَسَكَّتُوا عَنْ عِيُوبِ النَّاسِ فَأَسْكَتَ اللَّهُ عَنْ عِيُوبِهِمُ النَّاسَ فَمَاتُوا وَلَا عِيُوبَ لَهُمْ عِنْدَ النَّاسِ؛ در مدینه گروه‌هایی بودند که عیوبی داشتند ولی عیوب دیگران را پوشاندند خداوند هم عیوب آنها را از مردم پوشاند، لذا هنگامی که از دنیا رفتند مردم هیچ عیبی بر آنها نمی‌گرفتند (بحارالانوار، ۲۱۳/۷۲، ح ۴)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرموده است: «لَا يُبْلَغُنِي أَحَدٌ مِنْكُمْ عَنْ أَصْحَابِي شَيْئًا فَإِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُخْرَجَ إِلَيْكُمْ وَأَنَا سَلِيمٌ الصَّدْرُ؛ (نامه/۵۳) هیچ یک از شما عیوب (پنهانی) یاران مرا برای من نقل نکند، زیرا من دوست دارم به همه شما خوش بین باشم. آنچه امام (علیه‌السلام) در این بخش از سخنان خود بیان فرموده اشاره به این حقیقت دارد که بالاخره غالب مردم دارای نقاط ضعفی هستند که بر دیگران پوشیده است. اگر این نقاط ضعف آشکار گردد هم مردم به یکدیگر بدبین می‌شوند و هم والی به آنها بدبین می‌گردد و این بدبینی که در حدیث پیامبر نیز به آن اشاره شد، رشته اتحاد آنها را پاره می‌کند و امکان همکاری صمیمانه آنها را به یکدیگر و همه را با والی سلب می‌نماید. به همین دلیل قرآن مجید صریحا از تجسس و تفحص از عیوب پنهانی نهی کرده است.

۲-۸-۹. دیگرگروی اخلاقی

دیگرگرایی یا برابر دانستن دیگران با خود از جمله مباحث فلسفه اخلاق است که در درازنای تاریخ و در تمامی ادیان مورد توجه و اهتمام بوده است.

"از هر کار که کننده آن انجامش دادنش را از خود می‌پسندد و از دیگر مسلمانان ناپسند

می‌دارد حذر کن." (نهج‌البلاغه، ۷۰۷)

امام علی در این نامه خطاب به حارث همدانی می‌فرماید: انسان آنچه را برای خود می‌پسندد برای دیگران هم بخواهد و آنچه را برای خود نمی‌پسندد برای دیگران نخواهد و به این ترتیب میان سود و زیان خود و دیگران فرقی نگذارد. قرآن مجید از زبان حضرت شعیب می‌فرماید: (وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَيَّ مَا أَنهَأَكُمُ عَنْهُ)؛ من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم خودم مرتکب شوم.

۲-۸-۱۰. نهی غیبت کردن دیگران

امام علی در سخنانی با اشاره به رحمانیت خداوند در بخشودن گناهان انسان‌ها، توصیه می‌کند چون همه انسان می‌دانند که خود دچار عیبی هستند پس از عیب‌جویی دیگران بر حذر باشند: «هر کس از شما که به عیب دیگری آگاه است، باید از عیب‌جویی باز ایستد. زیرا می‌داند که خود را نیز چنان عیبی هست. باید به سبب عیبی که دیگران بدان مبتلا هستند و او از آن در امان مانده است، خدا را شکر گوید و این شکرگزاری او را از نکوهش دیگران به خود مشغول دارد.» (نهج‌البلاغه، ۲۷۴)

۲-۸-۱۱. برای دیگران می‌پسند هر آنچه بر خود نمی‌پسندی

هیچ انسانی به کمال نمی‌رسد مگر این که در اصلاح عیوب خویش بکوشد ولی شناخت عیوب غالباً مشکل است. ای بسا انسان بر اثر حب ذات نه تنها عیب خود را نمی‌بیند بلکه ممکن است آن را نشانه حسن بشمارد؛ ولی در برابر دیگران چنین نیست؛ عیوب آن‌ها را با تمام ریزه کاری‌ها می‌بیند و گاه زبان به انتقاد از این و آن می‌گشاید. بنابراین بهترین و عاقلانه‌ترین راه برای شناخت عیوب خویشتن این است که انسان آنچه را برای دیگران عیب می‌شمرد از خود دور سازد و دیگران را مقیاس و معیار برای سنجش حال خویشتن قرار دهد. آیا راهی بهتر از این برای اصلاح نقاط ضعف یافت می‌شود. امام علی می‌فرماید: «برای ادب کردن خود، همین بس که از هر چه از دیگری ناپسند می‌انگاری، دوری نمایی.» (نهج‌البلاغه، ۸۲۱)

۲-۸-۱۲. عدم مقابله به مثل در ناپسندی‌ها

امام علی در خطبه متقین درباره عدم مقابله به مثل در ناپسندی‌ها می‌فرماید: «اگر بر او ستمی رود، عفو کند و به آن کس، که محرومش داشته، بخشش نماید. و با هر که از او ببرد، پیوند کند. زشت‌گویی از او دور است. گفتارش نرم است. ناپسندی در او ناپیداست و نیکوکاری در او هویدا. همواره خیرش روی آورده و شرش. چون بر او ستمی رود صبر می‌کند تا خدا انتقامش را بستاند.» (نهج‌البلاغه، ۴۰۰)

گاه انسان در برابر بدیهی‌های دیگران مقابله به مثل می‌کند که غالباً زاییده خوی انتقام‌جویی است؛ ولی گاه مقابله به ضدّ می‌کند که این روش اولیاء الله و پرهیزگاران است؛ از ظلم ظالمان می‌گذرد در حالی که قدرت انتقام‌جویی دارد و این نوعی شجاعت است و چون از موضع قدرت انجام می‌شود تسلیم در برابر ظلم نیست و در برابر کسانی که او را هنگامی محروم ساخته‌اند عکس‌العملش بخشش به هنگام نیاز آنهاست که این دلیل بر سخاوت است. با آنهایی که از وی قهر کرده‌اند آشتی می‌کند و آنها را مشمول کمک‌های خود می‌سازد و این هم شجاعت است و هم سخاوت. (مکارم شیرازی، ۵۶۱/۹)

نتیجه‌گیری

قاعده طلایی حضور گسترده‌ای در تعالیم ادیان در درازنای تاریخ داشته و در پارلمان ادیان جهان به صورت رسمی پذیرفته شده است. وجه ایجابی قاعده زرین یعنی "با دیگران آن‌گونه رفتار کن که دوست داری با تو رفتار شود" و وجه سلبی آن "آنچه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران می‌پسند" بطور مستقیم و غیر مستقیم و با تقریرهای مختلف در نهج‌البلاغه مورد تأکید قرار گرفته است. این قاعده سبب‌ساز زیست اخلاقی و ارزشی در میان افراد جامعه و روابط بین فردی آنها می‌شود. فهم خیر و شر دیگران و درک درست از احوال آنها به هم زیستی و تعامل مسالمت آمیز در میان مکاتب و اقشار مختلف جامعه منجر خواهد شد. از قاعده سیمین و زرین تقریرها و تبیین‌های مختلفی موجود است که صورت‌بندی مفهومی آن در نهج‌البلاغه بررسی شد. براساس نتایج این پژوهش از جمله بازتاب قاعده زرین می‌توان به اشاره صریح به قاعده، جوانمردی در بخشش، عدل و انصاف، برخورد خوب با همه، حقوق حیوانات، عمل و عکس‌العمل، هم نشینی با اقشار مختلف مردم و... اشاره کرد. بی‌تردید اصل هستی شناسانه برگرفته این قاعده، همان آفرینش انسانها، از یک نوع است که مصداق‌های آن در کلام حضرت علی موج می‌زند و همه وجود خویشان را مانند دیگری می‌دانست. درک متقابل حاکم و رعیت، دیگر گروهی اخلاقی، نهی غیبت کردن، ادب ورزی و عدم مقابله به مثل در ناپسندی‌ها از جمله بازتاب قاعده سیمین در نهج‌البلاغه است. با توجه به آن که از نظر عارفان سرچشمه‌های اخلاق بر سه محور صداقت، احسان و تواضع می‌گردد قاعده زرین جایگاه بلندی در این میان دارد و در سرتاسر کلام امام علی منعکس شده است که می‌تواند الگوی بی‌نظیری برای تمام جهانیان باشد.

منابع

۱. نهج‌البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نهج‌البلاغه، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۷.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبه الله. شرح نهج‌البلاغه، قم - ایران: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، ۱۴۰۴.
۳. اهیوم، رابرت، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، ادیان زنده جهان، تهران؛ علم، ۱۳۸۶.
۴. ابن بابویه قمی، محمدبن حسین، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۵. اسلامی، سیدحسن، کپی رأیت از دیدگاه اخلاق، کتابهای اسلامی، شماره ۷، ۱۳۸۰.
۶. _____، «قاعده زرین در اخلاق و حدیث»، علوم حدیث، سال دوازدهم شماره سوم و چهارم، ۱۳۸۶.
۷. آمدی، عبدالواحدبن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۸. برقی، احمدبن خالد، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۹. بوسلیکی، حسن، «مقایسه بسندگی و کارآمدی قاعده زرین با قاعده تعمیم‌پذیری کانت»، قسبات، سال ۲۲، ۱۳۹۶.
۱۰. پاکتچی، احمد، عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه، سخنرانی در بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۹۷.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، لوح بینایی: تحلیل تاریخ حکومت امام علی(ع) با تأکید بر نهج‌البلاغه، تهران، دریا، ۱۳۹۲.
۱۲. سعدی، مصلح‌بن عبدالله، گلستان، تهران، ققنوس، ۱۳۸۵.
۱۳. شیخ مفید، محمدبن نعمان، الاختصاص، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳.
۱۴. صالحی، سیدمحمدحسین، قاعده طلایی: معرفی منابع انگلیسی و ارزیابی انتقادی منابع فارسی، نقد کتاب علوم تربیتی و روان‌شناسی، شماره ۶ و ۹۷، ۱۳۹۵.
۱۵. طوسی، محمدبن حسن، الامالی، قم: دارالثقافه، ۱۴۱۴.
۱۶. طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۷. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، تهران، انتشارات هرمس، ۱۳۸۷.
۱۸. قراملکی، احد، به سوی اخلاق جهانی، «کتاب نقد»، شماره ۳۰، ۱۳۸۳.
۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۰. گنسلر، هری، درآمدی جدید به فلسفه اخلاق، حمیده بحرینی، تهران: آسمان خیال، ۱۳۸۵.
۲۱. لطفی یزدی، محمدرضا، بررسی مبانی فرااخلاقی قاعده زرین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پیام نور تهران، ۱۳۹۴.
۲۲. متقی، علی‌بن حسام‌الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، لبنان: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از دانشمندان، پیام امام امیرالمؤمنین، قم: انتشارات امام علی، ۱۳۸۷.

۲۵. ملکیان، مصطفی، گزارشی از سلسله مباحث «رویکرد وجودی به نهج‌البلاغه»، نامه قم پاییز و زمستان - شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۷۹.
۲۶. مولوی (بلخی)، جلال‌الدین، مثنوی معنوی، تهران: هرمس، ۱۳۸۴.
27. Gensler Harry J, Ethics and the Golden Rule, Routledge Press, 2013.
28. Singer, Marcus G., "Golden Rule", Encyclopedia of Philosophy, Edited by: Donald Borchert, Macmillan Reference USA, Detroit, Second publication, 2006.
29. Wattles, Jeffrey, The Golden Rule; New York- Oxford: Oxford University Press ,1996.